

## نگاه اکونومیست به اوضاع ایران

گسترش شهرنشینی و مدرنسازی، جامعه با مسایل و امراض اجتماعی گوناگونی دست به گریان شده است: از میان امراض می توان گسترش بی رویه شهرنشینی و جمعیت که خود موجب آلودگی محیط ویست، کمود خدمات شهری، کمبوم مسکن و حاشیه نشینی، گسترش اعتیاد و فحشا و افزایش کودکان خیابانی را نام برد. در حوزه مسایل اجتماعی، تغییر وضعیت زنان در جامعه بویژه از طریق گسترش آموزش، نقش نوین و ارتقای وضعیت اشتغال را برای این نیمه جامعه می طلبد که پرداختن به آن تاکنون از عهده دولت خارج بوده است.

مقاله دیگر بر مشکلات اقتصادی ایران و نقش کانونی نفت تکیه دارد: هر چند در یکی دو سال اخیر اقتصاد ایران نخر شد نسبتاً بالای داشته اما تکیه بر درآمد نفت همچنان یکی از مشکلات اصلی باقی مانده است.

در مقاله‌ای تحت عنوان "گیر کردن در محور شرارت" گفته می‌شود که بجای منطق، جزم اندیشه سیاست خارجی ایران را تعین می‌کند. از مشکلات اصلی مناسبات خارجی ایران، روابط با آمریکاست. آمریکا ایران را به حمایت از تروریسم متهم می‌کند و بر این عقیده است که ایران در پی دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی از جمله بم اتمی است. ایران اتهامات را رد می‌کند...

هر چند که ایران در مسأله افغانستان نقش بسیار مثبتی را بازی کرد اما دولت جرج بوش اعمال مثبت ایران را با وارد کردن ایران در فهرست اعضاً محور شرارت" پاسخ گفت. این پاسخ آمریکا دلایل گوناگونی دارد. اما شاید بتوان گفت که افرادی در دولت آمریکا مانند بسیاری از دانشجویان ایران از دولت خاتمی قطع امید کرده‌اند. دولت آمریکا اکنون حساب مردم و دولت ایران را ز هم جدا کرده است و حمایت خود را اولی و مخالفت خود را با دومی اعلام نموده. در خود ایران واقعیت این است که نظرسنجیهای اخیر نشان داده است که اکثر مردم موافق روابط با آمریکا هستند. نکته دیگر حمله آتی آمریکا به عراق است. ایران می‌تواند مانند مورد افغانستان در زمینه عراق نیز نقش مثبتی ایفا کند. اما بدون شک اینبار توقع امتیاز خواهد داشت.

در آخرین مقاله بخش ویژه این پرسش عنوان می‌شود که عاقبت همه این تحولات چیست. پاسخ قاطع‌انه این است که سرانجام مردم سالاری عرفی در ایران استقرار خواهد یافت اما زمان و چگونیش معلوم نیست. اگر محافظه کاران نقشان را خوب بازی نکنند مساله لا یکه تبیین اختیارات ریس جمهور ممکن است موجب بحران گردد. اما اگر هم خاتمی از این مبارزه پیروز بیرون آید باز تضمینی برای استقرار نظام عرفی وجود خواهد داشت چون خاتمی خود معتقد به نظام مذهبی است. ممکن است عوامل خارجی مثلاً استقرار دولت مردم سالار در عراق بر مسایل داخلی ایران تاثیر بگذارد. فشار آمریکا و سقوط قیمت نفت از دیگر عوامل هستند. قدر مسلم این است که مردم ایران انقلاب دیگری نمی‌خواهند. اما مسأله اصلی که نظام را تهدید می‌کند اقتصادی است. بیکاری و رشد جمعیت. عامل دیگر همین مردم سالاری ناقص است که مردم را به پای صندوقهای رای آورده است و مطالبات آنها افزایش داده. "ممکن است عاقبت نخستین قانون اساسی یعنی قانون اساسی مشروطه پایه قانون اساسی جدید ایران گردد. مردم کشور به لحاظ دینی و فرهنگی همچنان مسلمان باقی خواهند ماند، یعنی ممکن است فضای برای وجود نوعی نهاد دینی جهت نقد قوانین مصوب نمایندگان مردم همچنان وجود داشته باشد. اما اگر بخت یار باشد نقش این نهاد تهاش مسحورتی خواهد بود. در هر صورت تا آن زمان مبارزه بر سر قدرت می‌باید همچنان ادامه یابد. ممکن است این مبارزه طولانی و تلحظ باشد و یا کوتاه و شیرین. قدر مسلم اینکه تها مردم ایران می‌توانند این آینده را تعیین کنند.

مجله معروف اکونومیست چاپ لندن، در شماره ۲۴۱۸ ژانویه ۲۰۰۳، خود بخش ویژه‌ای را به تحلیل جننه‌های مختلف اوضاع ایران اختصاص داده است که به اعتباری می‌توان آنرا بازتاب محافل نزدیک به تعیین کنندگان استراتژی انگلستان بشمار آورد. از این‌رو بی مناسبت نمایدیم که ترجمه فشرده‌ای از بخش‌های مختلف این نوشته مفصل را بدون اظهار نظر درباره موضع مطرح شده در آن به آگاهی خوانندگان گرانقدر خود برسانیم.

استدلال اصلی این بخش آن است که "اگر هم کنترل دو گانه مردم‌سالاری و دین ممکن باشد، در ایران پایدار نخواهد بود. فصل پایانی آزمایش‌آیت الله خمینی در زمینه مردم‌سالاری دینی با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ آغاز شد. هر چند شیوه‌های محافظه کاران و اصلاح طلبان (استفاده از این اصطلاحات تقریبی است) با یکدیگر تعارض دارد، اما هر دو گروه از آن زمان تاکنون در تلاش بوده‌اند که از این پایان انتخاب ورزند. تقریباً تمام جنبه‌های سیاست ایران که از سوی حکام کنونی شکل گرفته‌دچار شکست است. چون حاکمان ایران می‌خواهند بسیاری از عرصه‌های حیات شهر و ندان را، چه عمومی و چه خصوصی و چه لاهوتی و چه دینی‌یوی کنترل کنند، این شکست بسیار گسترده است. تهاوارد استثناء چند برنامه دولت انتخابی است که از سوی عناصر غیر انتخابی خراب نشده‌اند."

مقاله اول این بخش تحت عنوان "حکومت خدا یا قانون" درباره کاهش علاقه مردم به نمادهای انقلاب و حکومت سخن می‌گوید: این کاهش علاقه ناتوانی تقریباً کامل حکومت است. علت ظاهری این ناتوانی مبارزه جاری بر سر قدرت میان نیروهای درون حاکمیت است. اما علت اصلی تر آن تضادهای موجود میان مبانی حکومتی مذهبی و مردم‌سالاری مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. بنی شک پس از بیست و سه سال که از انقلاب می‌گذرد، کاملاً معلوم شده که نمی‌توان کشور را با وجود دوزمام دار، یکی نماینده منتخب مردم و دیگری نماینده خود خوانده خدا، اداره کرد. دولت خاتمی که در دوران انتخابات با اکثریت آبرگزیده شده است با اینکه اصلاحات را شعار قرار داده در عمل نتوانسته است تغییرات زیادی را موجب گردد. محافظه کاران بطور مؤثری جلوی حرکت ارد و گاه خاتمی را گرفته‌اند. این از اینکه این مقاله دوسته بندیهای سیاسی ایران می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که بسته به موضوع (مثل اولاد و روابط خارجی یا آزادیهای مدنی) فرد ممکن است در اردوگاههای سیاسی متفاوتی قرار گیرد: چون وضعیت احزاب مشخص نیست نظرات و فلسفه‌ها مهمنتر هستند. از این میان می‌توان به دیدگاههای سروش، آیت الله منتظری و آیت الله صانعی و سخنان آیت الله طاهری اشاره نمود که نظریه ولايت فقیه را به چالش می‌کشند. خود مفهوم ولايت فقیه که قدرت بسیار زیادی (حتی بیشتر از قدرت شاه در نظام پیشین) به رهبر می‌دهد به دلیل ناکامل دانستن صلاحيت‌های آیت الله خامنه‌ای دچار اشکال است.

مقاله دیگر به محدودیتهای اجتماعی بویژه برای جوانان می‌پردازد: هر چند این محدودیتها بطور چشم گیری کاهش یافته‌اند، اما نیروهای انتظامی همچنان می‌توانند هر لحظه که اراده کنند در زندگی اجتماعی و خصوصی مردم دخالت کنند. اما مهمنت از آن محدودیت فعالیتهای از اراداندیشان است. در مقاله دیگری تحت عنوان "نفرین غربزدگی" به این نکته اشاره می‌شود که با